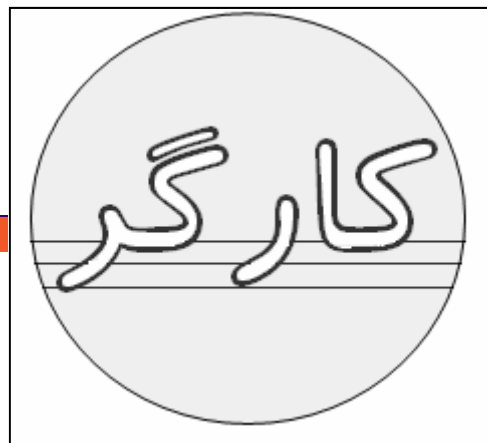
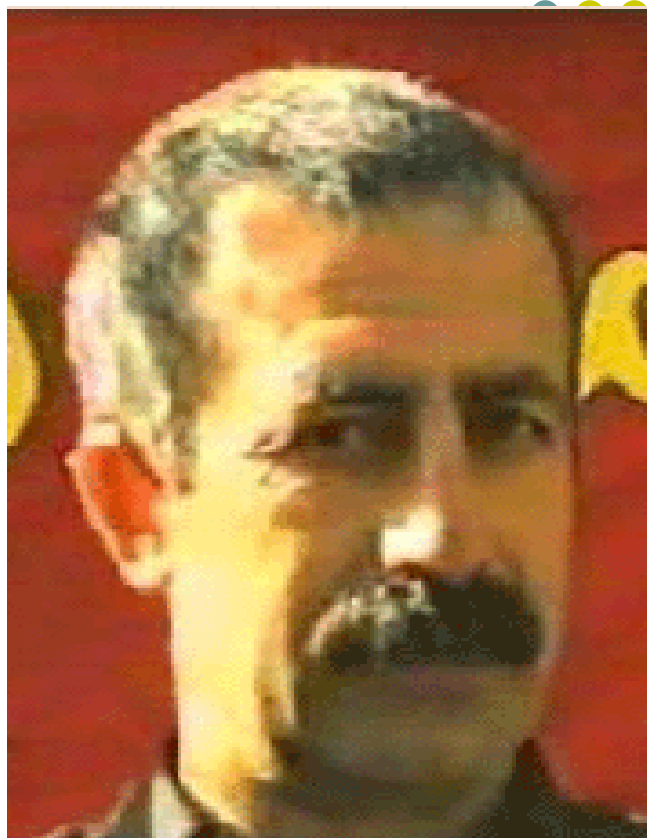


نشریه ی کارگر (سال اول - شماره ی پنجم) بهمن ماه ۱۳۸۶
زیر نظر شورای سردبیری - قیمت ۱۰۰ تومان



محمود صالحی و دیگر کارگران زندانی را فراموش نکنیم



نگاهی به شیوه ی تولید سرمایه داری
اصلاح قانون کار و سرکوب طبقه ی کارگر
گزارش خبری - تحلیلی آبان و آذر ماه جنبش کارگری
مصاحبه با علیرضا شریعتی، کارگر اخراجی کارخانه ی آزمایش مرودشت
اخراج ۱۹۰۰ کارگر در یک کارخانه در سمنان در طول یک سال!
طبقه ی کارگر ایران، کشتار کارگران خاتون آباد را محکوم می کند!
نامه ای از نجیبه صالح زاده، همسر محمود صالحی
باز هم قربانی شدن کارگران



کارگران شکاف و تفرقه ایجاد کند. باید از تمام کارگران زندانی فارغ از هرگونه اختلاف نظری، دفاع کرد تا توطئه ی تفرقه اندازانه ی طبقه ی سرمایه دار حاکم را خنثی نمود.

در این شرایط دیگر کارگران نیز باید به کمک هم طبقه ای های دربند شان بشتابند. نباید کارگران زندانی را فراموش کنیم. کارگرانی که همان طور که سامرند صالحی، فرزند محمود صالحی، در نامه اش نوشته است، حتی از مواهب همراهی با زن و فرزندشان نیز گذشته اند: "در این سالها تفریح و ایام شادی من و برادرم یا ملاقاتهای چند دقیقه ای بوده و یا زمانی بوده است که از سلامتی محمود صالحی (پدرمان) مطلع شده ایم. همیشه با دلداری های مادرمان، این زن مبارز، به آینده امیدوار شده ایم و دوری از پدر برایمان قابل تحمل تر شده است. مادری که مدت زیادی از زندگی مشترکش را صرف تلاش برای آزادی و کسب خبر از وضعیت شریک زندگی اش و پدر فرزندان در زندان کرده است!

ما، فرزندان محمود صالحی درک کرده ایم که چرا پدرمان زندانی شده است! همراه با میلیون ها نفر از کارگران جهان که همبستگی خود را با ایشان اعلام کرده اند به وجودش افتخار، و برایش آرزوی موفقیت می کنیم!

ما خوب میدانم پدرمان تنها متعلق به اعضای خانواده اش نیست بلکه متعلق به همگی کسانی است که برای حق انکار ناپذیر کارگران مبارزه می کنند!

با این وجود ما نگران شرایط دردناکی هستیم که پدرمان در آن به سر می برد. محمود صالحی تا به حال نزدیک به هفت سال زندانی شده است و این، سلامتی ایشان را به شدت به خطر انداخته است.

محمود صالحی که تنها می خواست روز جهانی کارگر را گرامی بدارد، روزی که در سرتاسر جهان هر ساله گرامی داشته می شود، به زندان می افتد.

در این جا این سوال مطرح است که در مقابل این هجمه ی بزرگ می بایست چه کار کرد؟ با چه قدرتی می توان جلوی آن را گرفت؟ به نظر می رسد که باید مقاومت کرد. اگر مقاومتی صورت نگیرد طرف مقابل هر روز گام به گام ابتدائی ترین و بدیهی ترین حقوق انسانی کارگران را زیر پایش لگدمال خواهد کرد. کارگران و انسان های جامعه ی ما در مقابل این هجوم تنها با قدرت متحدانه و آگاهانه شان است که می توانند مقاومت کنند.

اگر به لیست کارگران بازداشتی و زندانی نظری بیاندازیم، متوجه می شویم که اکثر آنان کسانی بوده اند که سعی در متشکل کردن کارگران داشته اند. کسانی که در راستای رسیدن به حقوق انسانی کارگران، قصد داشته اند "تشکل کارگری" بسازند. محمود صالحی در سقز این کار را می کرد. منصور اسالو در شرکت واحد تهران، رضا دهقان در میان نقاشان. کارگران هفت تپه ای و کارگران سنندجی نیز به همین شکل!

با ذکر این نکته می توان دریافت که در شرایط کنونی تشکل یابی کارگران گامی اساسی در راه رسیدن به حقوق شان است. باید توجه داشت یکی از ستون های این امر ضروری (تشکل یابی) دفاع از افرادی است که در راه این هدف بزرگ، متحمل هزینه های گزافی همچون بازداشت و زندان شده اند. پس باید از کارگران زندانی قاطعانه دفاع کرد و سعی در آزاد کردن آنان داشت تا یکی از ده ها مشکلی که در راه تشکل یابی کارگران بر سر راه شان وجود دارد را حل کرد. باید توجه داشت که سرمایه داری با ترفند های گوناگون سعی دارد بین صفوف

در چند سال اخیر همراه با اوج گیری اعتراضات و مبارزات هر روزه ی کارگران در سرتاسر جامعه مان سرکوب ها از طرف دولت و حاکمان سرمایه دار اوج گرفته است. هر روز شاهد بازداشت، احکام زندان، ضرب و شتم، اخراج و... کارگران مبارز هستیم. شاهد دستگیری نزدیک به هزار تن از کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی آن هم در یک شب به بهانه ی اعتصاب مسالمت آمیزشان هستیم. شاهد دستگیری صد ها تن از معلمان در شهر های بزرگ و کوچک هستیم. شاهد دستگیری کارگران معترض در کردستان، هفت تپه و دیگر شهر ها هستیم.

منصور اسالو، عضو هیئت مدیره ی سندیکای کارگران شرکت واحد به ۵ سال زندان محکوم شده است و اکنون در زندان اوین بسر می برد. چند نفر از فعالین کارگری و نمایندگان کارگران نیشکر هفت تپه از جمله جلیل محمدی و رحیم بوسحاق توسط ماموران دستگیر شده و در اداره اطلاعات تحت بازجویی قرار گرفتند.

۱۱ تن از فعالین کارگری سنندج به اتهام "اخلال در نظم عمومی" در بیدادگاه حکومت به ۶ ماه زندان و ضربات شلاق محکوم شدند. رضا دهقان فعال کارگری سندیکای نقاشان ساختمانی در تهران دستگیر شده و تحت بازداشت و بازجویی قرار گرفت.

صدیق کریمی و شیث امانی دو تن از فعالین اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار در شهر سنندج نیز دوباره به حبس محکوم گردیده اند.

شاهد بازداشت و صدور احکام زندان برای فعالان کارگری هستیم و همچنان محمود صالحی در زندان است.

محمود صالحی، فعال سرشناس جنبش کارگری از اردیبهشت امسال علی رغم ناراحتی شدید کلیه و در شرایطی که وضعیت جسمانی وی وخیم است در زندان سنندج به سر می برد.



اصلاح قانون کار و سرکوب طبقه ی کارگر خسرو مجتهدزاده

چندی است که بحث تغییر قانون کار به طور جدی از سوی سرمایه داری حاکم دنبال می شود. در این مقاله قصد داریم تا به علل اصرار دولت برای تغییر قانون کار فعلی و اشکالات آن بپردازیم. البته احتیاجی به ذکر این نکته نمی باشد که نقد اصلاحیه ی قانون کار به هیچ وجه به مفهوم تایید قانون کار فعلی نیست، زیرا که موارد ضد کارگری همین قانون کار در طول ۱۸ سالی که از تصویب آن می گذرد، بر کمتر کارگری پوشیده مانده است.

سرمایه داری حاکم بر ایران که در دوران جنگ، تسلط خود را بر جامعه تثبیت کرده بود، پس از اتمام جنگ و در حالی که طبقه ی کارگر پس از جنگی ۸ ساله کاملاً سرکوب شده بود، مجال را برای به پیش بردن سیاست تعدیل اقتصادی مناسب دید. به همین دلیل موج واگذاری کارخانه ها به بخش خصوصی، اخراج کارگران، گسترش قراردادهای موقت و ... از زمان دولت سازندگی آغاز شد و در دوره ی اصلاحات و همین طور در زمان دولت نهم ادامه یافت. دولت، کارخانه ها را به بخش خصوصی واگذار می کرد و سرمایه دار نیز که زمینه را برای استثمار هرچه بیشتر کارگر و در نتیجه کسب سود بیشتر مناسب می دید، اقدام به اخراج کارگران می کرد و تعدادی از آن ها را این بار با قراردادهای موقت و حقوق کمتر مجدداً استخدام می نمود و حتی در برخی موارد به کلی ابزار تولید و زمین کارخانه را می فروخت و سود کلانی به جیب می زد. این روند ضد انسانی امروزه پس از گذشت نزدیک به ۲۰ سال با سرعت هرچه بیشتر در حال انجام است. اما برای اجرای هرچه گسترده تر این سیاست اقتصادی، می بایست تمامی موانع از پیش رو برداشته می شد. به همین دلیل بحث اصلاح قانون کار مطرح شد و پیش نویس آن نیز منتشر شد و هم اکنون دولت مصراً خواستار تصویب و اجرایی شدن آن است.

یکی از مهمترین موارد در پیش نویس قانون کار بحث چگونگی اخراج کارگران است. دولت - در این جا دولت نه تنها به عنوان حامی سرمایه داران بلکه به عنوان بزرگترین سرمایه دار مطرح است - با تصویب این قانون می خواهد دیگر

وقت سرمایه دار و نمایندگانش را در ادارات کار تلف نکند و در واقع این قدرت را به سرمایه دار بدهد تا هر زمان که اراده کند، بدون کمترین زحمتی کارگر را اخراج کند. به همین منظور در پیش نویس قانون کار، بند (ز) به ماده ی ۲۱ (که شرایط اتمام قرار داد کار را مشخص می کند) اضافه می شود: "کاهش تولید و یا تغییرات ساختاری که در اثر الزامات قانون و مقررات یا شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و یا لزوم تغییرات گسترده در فناوری منجر به تعطیلی تمام و یا بخشی از کار شود." البته در ادامه تبصره ای نیز به ماده ی ۲۱ اضافه شده است: "موارد مذکور در بند (ز) باید به تایید هیأتی مرکب از استاندار یا معاون ایشان، سازمان های کار و امور اجتماعی، صنایع و معادن، مدیرکل تأمین اجتماعی، نماینده ی تشکیلات کارگری واحد و در صورت فقدان، نماینده تشکیلات کارگری حائز اکثریت در استان، کارفرما و یا نماینده ی آن برسد. چنانچه به تشخیص هیأت مذکور تمام یا بخشی از کار تعطیل شود، به همان نسبت مشمول خاتمه ی کار و مقررات بیمه ی بیکاری می شود."

از آن جا که بند (ز) در ماده ی ۲۱ منجر به اخراج های گسترده می شود، قانون گذار سعی کرده است روند اخراج را با تشکیل هیأتی، موجه نشان دهد. اما آن چه مشخص است این است که ترکیب بندی این هیأت کاملاً به نفع سرمایه دار است؛ ضمن این که تشکیلات کارگری نام برده در قانون، همان شوراهای اسلامی کاری هستند که ماهیت ضد کارگری آن بر کارگران واضح است.

ماده ی ۲۷ قانون کار نیز یکی از موارد مهمی است که در اصلاحیه، دستخوش تغییر شده است. در قانون کار فعلی در صورت اعلام نظر مثبت از سوی شورای اسلامی کار و یا انجمن صنفی است که کارفرما می تواند کارگر را اخراج کند، اما در اصلاحیه ی قانون کار، کارفرما تنها موظف است اخراج کارگر را به تشکل موجود در کارخانه اعلام کند.

به این ترتیب حتی نقش کم رنگ شوراهای اسلامی کار که اکثراً همسو با کارفرما موضع گیری می کنند نیز به کلی از بین می رود. در ادامه، کارگر می تواند ظرف مدت ۱۰ روز به مراجع مذکور در فصل حل اختلاف مراجعه کند. در صورتی که حکم اخراج تأیید شود و کارگر به حکم صادره اعتراض داشته باشد، نمی تواند نسبت به آن شکایت کند و حکم صادره قطعی تلقی می شود.

فرصت طلبان و هوشیاری کارگران

در شرایطی که دولت پیش نویس قانون کار را مطرح می کند، جریاناتی که زمانی پرچمدار سرکوب طبقه ی کارگر بودند، به منظور رسیدن به مقاصد جناحی خود فریاد دفاع از حقوق کارگران را سر داده اند و به دنبال منحرف کردن اعتراضات کارگری هستند. خانه ی کارگر که از زمان تاسیس خود تا کنون مهمترین نقش را در سرکوب کارگران و به انحراف کشیدن مطالبات آنان بازی کرده است، این بار نیز هوشمندانه وارد عمل شده تا مانع از جهت گیری اعتراضات کارگران به سمت به چالش گرفتن نظام سرمایه داری شود. به همین منظور در سالگرد تصویب قانون کار دست به برگزاری تجمع می زند و با پیش نویس قانون کار مخالفت می کند. اما زمانی توخالی بودن اعتراضات خانه ی کارگر برملا می شود که آنان در برابر پیش نویس قانون کار، پشت قانون کار فعلی سنگر می گیرند. قانونی که توده ی کارگر ضد انسانی بودن آن را با پوست و گوشت خود احساس کرده است. قانونی که هیچ حقی را برای متشکل شدن کارگر در نظر نمی گیرد و تنها گزینه ی شورای اسلامی کار و یا انجمن صنفی را در برابر او قرار می دهد.

خانه ی کارگر به عنوان یک حزب اصلاح طلبان و در راستای اهداف سیاسی اصلاح طلبان فرصت را مناسب دیده است تا با بلند کردن پرچم مخالفت با اصلاح قانون کار و فریب دادن

ادامه ی مقاله در صفحه ی ۱۱



جنبش کارگری تنها می تواند در بستر مبارزات عینی علیه نظام سرمایه داری به آگاهی طبقاتی دست یابد و آن را در پیشبرد اهداف آتی جنبش به کار گیرد. آنچه که بیش از هر چیز باید مورد توجه کارگران قرار گیرد، این است که تنها با آگاهی از شرایط طبقاتی خویش و کارویژه های نظام سرمایه داری است که می توانند جبهه ی مستقل کار را در برابر سرمایه سازماندهی کنند. برای شکل گیری چنین جبهه ای که بتواند به پراکندگی بخش های مختلف جنبش طبقه ی کارگر پایان دهد، کارگران باید به نیروی بالقوه و عظیم خود آگاهی یابند و با بالفعل کردن این نیرو ضرورت اتحاد عمل آگاهانه ی خود را بیش از گذشته درک نمایند که درک این ضرورت نیز جز با آگاهی کارگران از موقعیت خود در نظام سرمایه داری امکان پذیر نمی باشد. از این رو در زیر کوشیده ایم به توضیح هر چند مختصر مقولاتی (کار، ارزش افزوده، شیوه ی تولید سرمایه داری و ...) که بتواند به درک کارگران از موقعیت خود کمک کند بپردازیم.

آنچه کارگران در برابر نظام سرمایه داری دارند چیزی جز نیروی کارشان نمی باشد. نظام سرمایه داری تلاش می کند که نیروی کار کارگران را هر چه ارزاتر خریداری کند. به همین دلیل تنها بخش کوچکی از ارزش تولید شده توسط کارگران به آنها باز گردانده می شود که هدف از این دستمزد ناچیز تنها بازسازی نیروی کار آنها می باشد، تا چرخ های نظام سرمایه داری از حرکت باز نماند و حیات متزلزل نظام سرمایه ادامه یابد.

سرمایه دار به منظور کسب حداکثر سود و گسترش هر چه بیشتر سرمایه ی در گردش تلاش می کند که آن بخش از ارزش تولید شده را که به کارگران به عنوان دستمزد تعلق می گیرد به حداقل ممکن کاهش دهد. زیرا هر چه این کاهش بیشتر باشد، افزایش در بخش

ارزش افزوده برای سرمایه دار بیشتر می شود و بطور کلی این دو بخش رابطه ای معکوس با یکدیگر دارند، این تقسیم نابرابر در حالی است که کل ارزش تولید شده در پروسه ی تولید نتیجه ی کار طاقت فرسای کارگران در بخش های مختلف تولید می باشد.

سرمایه داران از دو طریق سعی در انباشت بیشتر ارزش اضافی تولید شده دارند:

۱- با طولانی کردن ساعت کار روزانه ی کارگران بدون افزایش دستمزد آن ها : این شیوه بیشتر در کشورهای در حال توسعه ی صنعتی و اقتصادی مورد توجه سرمایه داران قرار می گیرد که در حقیقت همان کاهش دستمزد واقعی و تنزل آن به سطح حداقل حیاتی می باشد.

۲- با افزایش بهره وری نیروی کار از طریق پیشرفت در ابزار تولید، با ثابت ماندن ساعات کار و سطح دستمزدها کالاهای بیشتری توسط کارگران تولید می شود، این روش بیشتر در کشورهای پیشرفته ی صنعتی در زمینه ی تولید به چشم می خورد.

هر سرمایه دار در یک نظام پولی واحد می کوشد بیشترین سود را کسب نموده و با سرمایه گذاری در بخش هزینه های ثابت، واحد تولیدی خود را گسترش داده و همواره قیمت تمام شده در بخش تولید و خرده فروشی ها را کاهش دهد. از این رو رقابت در تولید و عرضه ی محصولات برای کسب حداکثر سود در بقای واحدهای تولیدی نقش تعیین کننده ای را ایفا می کند، تا آنجا که تنها سود آورترین و تواناترین واحدهای تولیدی قادر به ادامه ی حیات در چنین نظام تولیدی هستند. این رقابت بین سرمایه داران سرانجام به تساوی نرخ سود منتهی می گردد و واحدهای تولیدی قادر به به ادامه ی حیات در چنین نظام تولیدی هستند. این رقابت بین

سرمایه داران سرانجام به تساوی نرخ سود منتهی می گردد و واحدهای مختلف تولیدی به نرخ متوسطی از سود رضایت می دهند. اساسا سرمایه داران آن بخش از تولید را که نرخ سود آن از نرخ سود متوسط پایین تر می باشد ترک می کنند و به بخش هایی که در آن سود بالاتر از حد متوسط است روی می آورند. این رقابت ها به تثبیت نرخ سود متوسط در اکثر واحدهای تولیدی منجر می شود. اما وضعیت کارگران از نظر ساعات کار، سطح دستمزدها، مسکن، بیمه، امکانات رفاهی و ... نه تنها تغییر نمی کند، بلکه در کل تنزل نیز می یابد.

یکی از ویژگی های شیوه ی تولید سرمایه داری، تبدیل کردن کار انسانی به کالا است تا بتواند آن را خرید و فروش نماید، قیمتش را تنزل دهد و آن را در شیوه ی تولید خود استحاله نماید، ارزش این کالا برابر ارزش تمام کالاهایی است که برای تجدید این نیروی کار مصرف می شود. دستمزد، قیمت نیروی کار در بازار سرمایه داری است و دیگر قیمت ها در این بازار حول تغییرات آن در حال نوسان است. در این میان ارتش ذخیره ی صنعتی (بیکاران) و نوسانات آن تأثیرات مهمی در بیکاری و تغییر در دستمزدها دارند.

در یک کشور سرمایه داری در حال رشد صنعتی که بیکاری نیروی کار در سطح گسترده ای وجود دارد، دستمزدها در خطر آن قرار می گیرند که دائما در سطح حداقل حیاتی تنزل یابند، اما در کشورهای سرمایه داری که دوره ی رشد و توسعه ی اقتصادی و صنعتی را تقریبا پشت سر نهاده و در زمینه ی تولید در مرحله ی صنعتی کامل به سر می برند، با توجه به تنوع و گسترش بخش های خدماتی- تخصصی "میزان بیکاری کاسته شده و دستمزدها در این کشورها بالاتر از حداقل نیروی حیاتی کارگران قرار می گیرد و از



ادامه ی سر مقاله

حالا از درد تنها کلیه اش ، پروستات و نارسائی شدید قلبی رنج می برد. همین باعث شده است بار دیگر از اتحادیه ها ، سندیکاهای کارگری در سطح جهان و از شما، کارگران، جوانان ، زنان و مردان آزادیخواه بخواهیم که محمود صالحی را فراموش نکنید!

در این شرایط به نظر می آید باید تلاش کرد که این کارگران مبارزه دست فراموشی سپرده نشوند. باید به هر نحو ممکن و با هر وسیله ای در همه جای جامعه از محل کارمان گرفته تا محل تحصیل و محل زندگی مان محمود صالحی و دیگر کارگران زندانی را معرفی کنیم.

می بایست کارگران، زنان و دانشجویان و خلاصه تک تک انسان های جامعه مان محمود صالحی و تمامی کارگران مبارز زندانی را بشناسند. باید به همه گفت که آنان چه کسانی بوده اند و حاکمیت سرمایه داری به چه بهانه ای آنان را به زندان انداخته است. در واقع می توان زندان را جزئی از دستگاه سرکوب طبقه ی حاکم دانست. پس مبارزه برای آزادی کارگران زندانی جزئی از مبارزه طبقاتی محسوب می شود. بیابید به هر وسیله ی ممکن در شهرهایمان، کارخانه هایمان، خانه هایمان و خلاصه در گوشه گوشه ی جامعه مان نگذاریم محمود صالحی و تمامی کارگران زندانی فراموش شوند. چون همان طور که سامرند نوشته است:

”چنین کارگر مبارزی فراموش شدنی نیست! پدر ما هیچ جرمی به جز دفاع از حقوق هم طبقه ای هایش و تلاش برای ایجاد تشکل های آزاد کارگری نداشته است.

ما، از شما میخواهیم بار دیگر همه با هم با تمام توان برای آزادی اش از بند تلاش کنیم!

می کند که بخش کمتری از ارزش تولید شده را به عنوان دستمزد به کارگران پرداخت کند و دستمزدها را در سطح حداقل حیاتی تثبیت نماید و در برابرش جبهه ی مستقل کار قرار دارد که مبارزه ی مستمری را سازماندهی می کند و به عنوان ابتدایی ترین خواسته هایش افزایش دستمزدها را از طریق مشتمل کردن نیازهای جدید بر نیازهای گذشته اش خواهان است. میزان و شدت همبستگی، سازماندهی و همچنین آگاهی طبقاتی کارگران عواملی هستند که در تحول دستمزدها به عنوان ابتدایی ترین خواسته های این طبقه نقش تعیین کننده ای را دارند. لازم به ذکر است که آنچه مبارزه ی کارگران را عمق و غنای بیشتری می بخشد و آن را فراتر از مبارزه برای افزایش دستمزدها می برد، آگاهی به این نکته است که با گسترش نیازهای جدید در بستر نظام سرمایه داری و همچنین شکاف میان تکامل نیروهای مولده و بالا رفتن بهره وری کار از یک سو و عدم بر آورده شدن این نیازها توسط دستمزدهایی که در مقابل تکامل نیروهای مولده رشد ضعیفی را داشته اند از سوی دیگر، در حقیقت وضعیت کارگران نسبت به گذشته سیر نزولی را طی نموده است. در نتیجه کارگران در بستر مبارزات خود علیه سرمایه همواره گرایش به ریشه ای کردن تضادهای کار و سرمایه را دارند و می دانند تنها با از بین بردن ریشه ای این تضادها و نیز نظام حاکم بر آنها می باشد که می توانند از ستم های عمیق وارد شده بر خود رهایی یابند.



طرفی مبارزات طبقه ی کارگر در دراز مدت می تواند به میزان کالاهای تولیدی جدید به ارزش نیروی کار اضافه نماید. هر چند که در نتیجه ی صنعتی شدن و پیوستن بخشی از ارتش بیکاران به واحدهای تولیدی در شیوه ی تولید سرمایه داری ، وضعیت و سطح دستمزد کارگران تا حدی بهبود می یابد، اما در نهایت سرمایه داران برای حفظ و بقای خود که جز با بقای سرمایه امکان پذیر نمی باشد و همچنین برای دستیابی به حداکثر سود مجبور به جایگزین کردن ماشین آلات (نیروی کار مکانیزه و بی جان) با هزینه های ثابت به جای کارگران می باشند و آنان را از صحنه ی تولید خارج می سازند که این نظام و شیوه ی تولیدش را با بحرانهای جدیدی روبرو می سازد. و این بحران ها، خود نقطه ی عظیمت نظام سرمایه داری و صنعتی پیشرفته به مرحله ای عالی تر می باشند که همانا سرمایه داری انحصاری و امپریالیسم است، که در آن کشور امپریالیسم برای از بین بردن تضادها و بحران های موجود در خود، با صدور سرمایه و همچنین استفاده از منابع و نیروی کار ارزان، قسمت کوچک سودی را که از استثمار مضاعف دیگر کارگران در نقاط مختلف جهان به دست آورده از طریق یارانه، حقوق بیکاری و ... به سیستم پرداختی خود به کارگران داخلی اختصاص می دهد تا با بهبود هر چند اندک در وضعیت زندگی طبقات کارگر در کشور خود از خیزش و خصلت انقلابی آنان کاسته و تضادها و بحران های حل نا شدنی درون خود را حل نماید. بنا بر این هیچ قانون مشخصی در تحول دستمزدها وجود ندارد و تنها مبارزه ی جدی و مستمر جبهه ی کار علیه سرمایه است که منجر به تحول در دستمزدها می شود. بطور کلی می توان گفت که سرمایه در راه رسیدن به سود بیشتر همواره تلاش



گزارش خبری - تحلیلی آبان و آذر ماه جنبش کارگری

گزارش آبان ماه

در آبان ماه همچنان شاهد مبارزات کارگران برای دست یابی به حقوق پایه ای خود بودیم. در سوی مقابل نیز حکومت سرمایه به شدیدترین وجه با کارگران معترض برخورد نمود. صدور احکام سنگین برای رئیس و نایب رئیس سندیکای کارگران شرکت واحد و سنگ اندازی در برابر درمان بیماری چشم اسالو، بازداشت رضا دهقان، بازداشت های پی پی در پی نمایندگان کارگران نیشکر هفت تپه و افزایش تلاش ها برای اصلاح قانون کار فعلی از جمله تلاش های سرمایه داری برای به عقب راندن جنبش کارگری بوده است.

بازداشت رضا دهقان

صبح روز یکشنبه ۲۷ آبان ماه تعدادی از اعضای سندیکای کارگران نقاش به منظور پیگیری شکایت خود از انجمن صنفی کارگران نقاش، که تحت نفوذ کارفرمایان قرار دارد، به اداره ی کار مراجعه می کنند اما در عوض دریافت جواب از مسئولان اداره ی کار رضا دهقان از اعضای سندیکای کارگران نقاش توسط نیروی انتظامی بازداشت می شود و به پایگاه چهارم پلیس امنیت نیروی انتظامی واقع در میدان هفت حوض منتقل می گردد.

با پیگیری های اعضای سندیکا، رضا دهقان روز دوشنبه به زندان اوین منتقل می شود و برای او وثیقه ای ۴۰ میلیون تومانی در نظر گرفته می شود. متأسفانه تا انتهای ماه آبان مبلغ وثیقه ی رضا دهقان فراهم نشده است. ظاهراً پیگیری اعضای سندیکا برای افشا کردن سوء استفاده ی ۴۰۰ میلیون تومانی انجمن صنفی حکومتی علت برخورد با رضا دهقان بوده است.

در پی بازداشت این فعال کارگری بسیاری از تشکل های کارگری از جمله هیئت بازگشایی سندیکای کارگران نقاش و تزیینات ساختمان، کمیته ی پیگیری و انجمن بدون مرز با صدور بیانیه هایی این بازداشت غیر قانونی را محکوم کردند.

ادامه ی مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه

در ادامه ی اعتصابات کارگران کارخانه ی نیشکر هفت تپه روز ۷ آبان ماه ۱۱۰۰ تن از کارگران قسمت نی بری هفت تپه در اعتراض به عدم دریافت حقوق دو ماهه ی فصل جدید دست به اعتصاب زدند.

در ادامه ی سرکوب کارگران هفت تپه روز دوشنبه ۱۴ آبان ماه ۱۳۸۶، قربان علی پور، یکی از نمایندگان کارگران کارخانه نیشکر هفت تپه دستگیر شد. کارگران هفت تپه در اعتراض به روده شدن همکار خود مقامات را تهدید کردند که دست به اعتصاب جدیدی خواهند زد. همچنین روز چهارشنبه نیز محمد حیدری مهر به اداره ی اطلاعات احضار شد و در همان جا وی را بازداشت کردند. در همین روز ۳۰۰ نفر از کارگران هفت تپه در اعتراض اولیه ی خود دست از کار کشیدند. به دلیل اعتراض کارگران هفت تپه وثیقه های ۵۰ میلیون تومانی برای قربان علی پور و محمد حیدری مهر تعیین شد و این دو کارگر در روز های ۲۳ و ۲۴ آبان ماه از زندان آزاد شدند.

روز ۲۷ آبان ماه نیز دو تن از کارگران به نام های جلیل احمدی و رحیم بوسحاک به ستاد خبری شهرستان شوش احضار شدند.

اخبار پیرامون سندیکای کارگران شرکت واحد

در ادامه ی افزایش فشار ها بر اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد در اولین روز آبان ماه، ابراهیم مددی در شعبه ی ۲۸ دادگاه انقلاب با حضور وکلای خود محاکمه شد و در روز ۶ آبان ماه حکم ۲ سال حبس تعزیری برای ایشان صادر شد.

منصور اسالو نیز که در آخرین روز مهرماه تحت عمل جراحی از ناحیه ی چشم چپ قرار گرفته بود روز ۳ آبان در حالی که می بایست بنا به تجویز پزشکان به مدت ۳ ماه در محیطی آرام تحت مراقبت های ویژه قرار می گرفت با دستور قاضی حداد به زندان اوین منتقل شد.

بعد از مداوای اولیه طی روز های بعد اسالو برای چندمین بار به بیمارستان منتقل شد. حکم اسالو در روز ۶ آبان ماه صادر شد و دادگاه حکم ۵ سال حبس تعزیری او را تایید کرد.

در اعتراض به این احکام ناعادلانه سندیکای کارگران شرکت واحد، جمعی از کارگران ایران خودرو، هیئت موسسان سندیکا های کارگری، هیئت بازگشایی سندیکای کارگران نقاش و کمیته دفاع از محمود صالحی با صدور بیانیه هایی، نسبت به صدور این احکام اعتراض کردند.

اعتراضات کارگری در نقاط مختلف کشور

روز شنبه ۵ آبان جمعی از کارآموزان فنی و حرفه ای شاغل در طرح پتروشیمی شهرستان یاسوج در اعتراض به عدم دریافت حقوق خود دست به اعتصاب زدند.

کارگران خشمگین طرح پارس جنوبی در این ماه و در طی سفر احمدی نژاد به عسلویه در اعتراض به وضع بد معیشتی خود خودروی حامل احمدی نژاد را محاصره کردند.

کارگران البرز نیشابور در اعتراض به اخراج کارگران، طی چند نوبت تجمع اعتراض آمیز برگزار کردند.

طی روزهای ۸، ۹ و ۱۰ آبان ماه، ۳۰ نفر از کارگران واحد ژئوتکنیک سد گاران مریوان در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب اولین اعتصاب این کارگران نبوده و آنان از سه ماه گذشته تا کنون در اعتراض به عدم پرداخت به موقع دستمزدهایشان، سه بار اعتصاب کرده اند.

روز ۱۹ آبان جمعی از کشاورزان که در طی طرح خصوصی سازی دولت مجبورند زمین های خود را بالاجبار به شرکت پارس مغان بفروشند مقابل مجلس تجمع کردند.

۲۰ آبان کارگران شاغل در سد سیاه زاغ در دیواندره در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق خود دست به اعتصاب زدند. در همین روز ۴۰

تن از کارگران شرکت تعاونی جنگل



گزارش خبری - تحلیلی آبان و آذر ماه جنبش کارگری

کارگران نیشکر هفت تپه

کارگران کارخانه ی نیشکر هفت تپه که در جریان اعتصاب گسترده ی خود نگاه ها را به سمت خود جلب کرده بودند در حال حاضر در زیر فشار نیروهای اطلاعاتی قرار دارند. در همین راستا جلیل احمدی و رحیم بسحاق که ۲۷ آبان ماه بازداشت شده بودند و در روز ۳ آذر آزاد شدند، اعلام کردند که در این مدت برای دست کشیدن از مبارزات خود زیر شدید ترین فشارها قرار داشتند. در همین روز علی نجاتی در پی تماس های متعدد ستاد خبری شوش، سوم آذرماه خود را به ستاد خبری معرفی کرد. وی مکرراً از سوی نیروهای اطلاعاتی مورد بازجویی قرار می گیرد و روز ۱۰ آذر به همراه نجات دهلی، یکی دیگر از کارگران، خود را دوباره به ستاد خبری شوش معرفی کرد. این دو کارگر در جریان این احضار بازداشت شدند و در روز ۱۲ آذر با وثیقه های ۱۰ میلیونی آزاد شدند.

فریدون نیکو فرد از فعالین کارگری نیشکر هفت تپه روز دوشنبه، ۱۲ آذر، از دادگاه به زندان مرکزی دزفول منتقل شد. قاضی پرونده از نیکو فرد خواسته بوده است تا اعلام کند که شرکت در اعتصابات کارگران نیشکر هفت تپه اشتباه بوده و دیگر در چنین حرکات اعتراضی شرکت نخواهد کرد، که وی در پاسخ به این اظهارات، اعتراض را حق طبیعی کارگران خوانده بود که در نتیجه ی این گفته ی نیکو فرد، قاضی حکم بازداشت وی را صادر کرده است. روز بعد، فریدون نیکوفرد با وثیقه ی ۱۰ میلیونی از زندان آزاد شد.

کارگران نیشکر هفت تپه در ادامه ی اعتراضات خود روز دوشنبه، ۱۹ آذرماه، در اعتراض به عدم پرداخت حقوق معوقه ی خود دست به اعتصاب زدند. مدیریت کارخانه پس از گذشت ۴ ساعت از اعتصاب اعلام کرد، حقوق معوقه را پرداخت خواهد کرد. در رابطه با این اعتصاب علی نجاتی و فریدون نیکو فرد در روزهای ۲۴ و ۲۵ آذرماه بار دیگر به ستاد خبری شوش احضار شدند.

گزارش آذر ماه

در حالی آذر ماه را آغاز کردیم که ۴ تن از فعالین سرشناس کارگری یعنی محمود صالحی، منصور اسالو، ابراهیم مددی و رضا دهقان در زندان به سر می بردند که در این میان ابراهیم مددی و رضا دهقان آزاد شدند. در اواخر این ماه نیز ۴ فعال کارگری دیگر به نام های محسن حکیمی، ابراهیم نوروزی گوهری، علی رضا عسگری و حسین غلامی بازداشت شدند. احضار های متعدد کارگران نیشکر هفت تپه، وخامت حال محمود صالحی و اعتراضات کارگری در نقاط مختلف کشور از دیگر رویدادهای مهم ماه بودند.

آزادی دو فعال کارگری از زندان

رضا دهقان از فعالین سندیکای کارگران نقاش در روز ۲۵ آذرماه و پس از گذشت ۲۸ روز از زندان آزاد شد. رضا دهقان که در ۲۷ آذرماه به منظور پیگیری پرونده ی فساد مالی انجمن صنفی کارگران نقاش - وابسته به عوامل کارفرمایی - به اداره ی کار مراجعه کرده بود، در اقدامی غیر قانونی بازداشت شد. در حالی که در ابتدا وثیقه ای ۴۰ میلیونی برای رضا دهقان در نظر گرفته شده بود، خانواده ی وی توانستند پس از دوندگی های بسیار با وثیقه ی ۱۰۰ میلیون تومانی او را از بند ۲۴۰ زندان اوین آزاد کنند.

ابراهیم مددی، نایب رییس سندیکای کارگران شرکت واحد، نیز روز یکشنبه ۲۵ آذر پس از تحمل ۱۲۷ روز بازداشت از زندان قزل حصار آزاد شد. ابراهیم مددی که در پی فراخوان اعلام همبستگی اتحادیه های کارگری جهان در ۱۸ مرداد ۱۳۸۶ در حین مراجعه به منزل منصور اسالو، رئیس هیئت مدیره ی سندیکا، دستگیر شده بود، ابتدا در شعبه ی ۲۸ دادگاه انقلاب به ۲ سال حبس تعزیری محکوم شد، اما در شعبه ی ۴۴ دادگاه تجدید نظر، حکم برائت وی صادر شد و توانست بعد از ۱۲۷ روز از زندان آزاد شود.

امامزاده ابراهیم در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مزایا و همچنین عدم پرداخت حق بیمه دست از کار کشیدند و در مقابل فرمانداری تجمع کردند.

روز ۲۴ آبان تعدادی از کارگران کارخانه ی قند بردسیر در اعتراض به عقب افتادن دستمزدهایشان در مقابل استانداری کرمان تجمع کردند.

صبح روز جمعه ۲۵ آبان ماه حدود ۱۰۰۰ تن از کارگران بجان آمده از کلیه کارخانه های شهرستان نیشابور، در یک راهپیمایی بزرگ در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و عدم رسیدگی به خواسته هایشان شرکت کردند.

روز دوشنبه ۲۸ آبان کارگران کارخانه ی قوه پارس قزوین برای سی و پنجمین بار تجمع کردند. این کارگران ۱۸ ماه است که حقوقی دریافت نکرده اند.

روز سه شنبه ۲۹ آبان تعداد زیادی از کارگران در نقاط مختلف کشور در اعتراض به عزم دولت برای تغییر قانون کار فعلی تجمع های اعتراض آمیز برگزار کردند.

در این ماه نیز شاهد حمایت های بین المللی از مبارزات کارگران ایران بودیم. از جمله ی این حمایت ها می توان به نامه ی شورای اتحادیه های کارگری باترسی و واندزورس به محمود احمدی نژاد در اعتراض به سرکوب جنبش کارگری در ایران، حمایت اتحادیه ی کارگران متحد صنایع غذایی و نانوايي ها (با سی هزار عضو در انگلیس و ایرلند) از مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه، نامه ی کنفدراسیون اتحادیه های کارگری نروژ (ال او) به محمود احمدی نژاد در اعتراض به عدم مداوای منصور اسالو، سفر یک عضو سازمان بین المللی کار به تهران به منظور پیگیری وضعیت تبعیض میان کارگران زن و مرد در ایران و فراخوان مشترک برای هفته ی کارزار حمایت از جنبش کارگری ایران در خارج از کشور اشاره کرد.



گزارش خبری - تحلیلی آبان و آذر ماه جنبش کارگری

بازداشت ۴ فعال کارگری در پارک چیتگر

روز جمعه، ۲۳ آذرماه، ۴ تن از فعالین کارگری به نام های محسن حکیمی، ابراهیم نوروزی گوهری، علی رضا عسگری و حسین غلامی که در یک گل گشت خانوادگی در پارک چیتگر به سر می بردند، توسط نیروی انتظامی بازداشت شدند. در حالی که این افراد مشغول صحبت پیرامون مسائل جنبش کارگری بودند، گشت نیروی انتظامی مستقر در پارک آنان را به کلانتری پارک چیتگر و سپس به کلانتری ۱۳۷ کوی نصر منتقل کرد. فردای روز بازداشت، این فعالین به دادگاه انقلاب منتقل شدند و به خانواده های آنان گفته شد که محسن حکیمی، علیرضا عسگری و حسین غلامی با قرار کفالت و ابراهیم نوروزی گوهری با سپردن وثیقه ۲۰ میلیونی آزاد می شوند، اما هنگامی که در روز یکشنبه، ۲۵ آذر، خانواده های آنان به دادگاه انقلاب مراجعه کردند مسئولین دادگاه به این بهانه که پرونده در مرحله ی تحقیق است از پذیرش اسناد کفالت و وثیقه امتناع نمودند.

وخامت حال محمود صالحی

محمود صالحی که از فروردین ماه امسال در زندان توحید شهر سنندج محبوس است، در شرایط جسمی بسیار بدی به سر می برد و شرایط نا مساعد زندان نیز وخامت حال وی را تشدید می کند. صبح روز سه شنبه، ۲۰ آذرماه، محمود صالحی که در اثر برخورد وحشیانه ی ماموران زندان و وخامت شرایط جسمی و روحی بیهوش شده بود، به بیمارستان توحید سنندج منتقل شد و در بخش مغز و اعصاب بستری شد. پزشک معالج تشخیص داد که در اثر تغییرات فشار خون، رگهای مغز محمود صالحی آسیب دیده و این آسیب دیدگی از رسیدن خون کافی به مغز او جلوگیری می کند و همین باعث بیهوش شدن او شده است. در حال حاضر نیز محمود صالحی در شرایط سختی به سر می برد. در همین راستا، کمیته ی دفاع از محمود

صالحی با انتشار نامه ای خطاب به گای رایدر، دبیر کل کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری، خواستار فشار اتحادیه های کارگری و سازمان های حقوق بشری به حکومت ایران برای فراهم شدن امکانات درمان محمود صالحی شد. نجیبه صالح زاده، همسر محمود صالحی نیز با انتشار نامه ای خطاب به تشکل ها و پزشکان، خواستار افزایش فشارها به منظور درمان بیماری محمود صالحی شد. ضمن این که جمعی از پزشکان نیز با ارسال نامه ای به سازمان پزشکان بدون مرز با تاکید بر وخامت حال محمود صالحی، لزوم درمان وی و تلاش نهادهای بین المللی در این زمینه را یاد آور شدند.

در ادامه ی تلاش نهادهای بین المللی، فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل خواستار آزادی و مداوای محمود صالحی شد و سازمان عفو بین الملل نیز کارزاری جهانی برای نجات جان محمود صالحی به راه انداخت.

اعتراضات کارگری در اقصی نقاط ایران

اوایل آذرماه جمعی از کارگران واحد ژئوتکنیک سد گاران میوان، در اعتراض به عدم پراخت ۵ ماه از حقوق ماهیانه ی خود و همچنین اجبار برای ۱۲ ساعت کار روزانه دست به اعتصاب زدند.

کارگران کارخانه ی نیرو رخس سنندج از سوم آذر دست به اعتصاب زدند. این کارگران خواستار پرداخت به موقع حقوق و بهداشتی شدن محیط کار بودند. سرانجام پس از ۶ روز اعتصاب، کارفرما مجبور به قبول تمامی خواست های کارگران شد. کارگران کارخانه شاهر در پی تصمیم کارفرما به انحلال کارخانه روز ۱۷ آذر به اداره ی کار مراجعه کردند. کارگران موفق شدند تا تمام خواست های خود را به کارفرما تحمیل کنند و بر سر کار برگردند. کارگران هشدار داده بودند در صورتی که تا ۱۰ آذر به خواست هایشان

رسیدگی نشود، دست به راهپیمایی خواهند زد. ۴۰۰ تن از کارگران سامان کاشی بروجرد از ابتدای ماه به مدت بیش از ۲ هفته و در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و تمديد نشدن دفاتر بیمه دست به اعتصاب زدند.

چهارشنبه، ۹ آذر، جمعی از کارگران شرکت قوه پارس در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق معوقه ی خود در برابر مجلس شورای اسلامی دست به تجمع زدند. اواسط آذرماه نیز نزدیک به ۴۰۰ نفر از کارگران کارخانه ی نساجی خوی در مقابل فرمانداری تجمع کردند و خواستار پرداخت حقوق خود شدند.

اواخر آذر نیز در حدود ۳۰۰ تن از کارگران شرکت کشتی سازی اروندان در اعتراض به عدم دریافت مطالبات خود در محوطه ی کارخانه اعتصاب کردند.

یکشنبه، ۲۵ آذر ماه، کارمندان شرکت حمل و نقل بین المللی ایران "ایریت"، در اعتراض به بلا تکلیفی خود پس از واگذاری این شرکت به بخش خصوصی در محل سازمان راهداری و حمل و نقل جاده ای تحصن کرده و خواستار رسیدگی مسئولان این سازمان به وضعیت خود شدند.

چهارشنبه، ۲۸ آذر، ۱۱۰ تن از کارگران کارخانه شادریس یزد (کارخانه ریسندگی) در محوطه کارخانه در اعتراض به عدم پرداخت حقوق معوقه و تعطیلی کارخانه تجمع کردند و خواستار دریافت سه ماه حقوق معوقه خود شدند.

وخامت حال محمود صالحی در ماه گذشته یکی از مواردی بوده که به شدت فعالین کارگری و مردم آزادی خواه را نگران کرده است. محمود صالحی به عنوان یکی از پرچمداران دفاع از حقوق کارگران ایران در شرایط خطرناکی به سر می برد و اگر آسیبی به جان وی وارد شود جنبش تازه پا گرفته ی کارگری لطمه ی سختی خواهد خورد. به همین دلیل است که باید از همه ی ظرفیت ها برای نجات جان وی استفاده کرد.



مصاحبه گر: هما آزر

در فبره‌ها آمده بود که صبح روز چهارشنبه ۵ دی ماه، مرادست کارخانه ی آزمایش مرودشت از ورود تعدادی از کارگران این کارخانه، بنا به دستور رییس کارخانه، آقای فاضلی ممانعت بعمل آورده است و اعلام شده که این کارگران از کارخانه اخراج شده اند. در این رابطه با علیرضا شریعتی، یکی از کارگران افرایی این کارخانه گفتگویی را ترتیب دادیم.

کارگر : سلام آقای شریعتی! در این

رابطه به مخاطبین ما توضیح می دید؟

بله، ۴۰ نفر از کارگران کارخانه ی آزمایش از این کارخانه اخراج شده اند. این کارگران یک هفته قبل، یعنی ۲۸ آذر برای افزایش حقوق خودشان دست به تجمع و اعتصاب در این کارخانه زدند. در ضمن این خواسته ها بارها از ماه ها پیش از سوی کارگران مطرح شده بود، که طی مذاکرات با مدیریت کارخانه و اداره ی کار، به بیان خواسته های خود پرداخته بودند. اما در مقابل مسئولان همیشه با جواب های سربالا بررسی این مسئله را به یکی دو هفته ی آینده موکول می کردند. در نهایت کارگران این کارخانه تصمیم به یک اقدام جدی گرفتند و در روز ۲۸ آذر در اعتراض به عدم پاسخگویی مسئولین دست به تجمع زدند. در مقابل مسئولان حراست در مقابل حدود ۳۵۰ کارگری که اعتصاب کرده بودند، اقدام به یادداشت کردن اسامی حدود ۴۰ نفر از کارگران کردند و آن ها را تهدید کردند که در صورت تمام نشدن فوری و سریع اعتصاب، اخراج خواهند شد. بعد از آن این اسامی به اداره ی کار داده شد و روز ۵ دی که ما به کارخانه مراجعه کردیم، متوجه شدیم که کارت ها قفل شده و به ما اعلام شد که برای پیگیری وضعیت خود به اداره ی کار مراجعه کنیم و دیگر نمی توانیم به کارخانه وارد شویم.

کارگر : در خبرها داشتیم که یکی از دلایل این تجمع هم تعدیل نیروی صورت گرفته از سوی مدیریت کارخانه و اقدام به اخراج کردن تعداد زیادی از کارگران بود. درست است؟

شریعتی : بله، یکی از دلایل این اعتصاب هم اخراج های بی رویه بود. تعداد کارگرهای این کارخانه ۱۴۰۰ نفر بود که تمام کارگران اعم از استخدامی و قراردادی و پیمانکاری را شامل می شد. به مرور از سال ۸۳ به بعد، یک سری از کارگران بازنشسته شدند ولی بجای آنان کارگری استخدام نشد. همچنین شرکت های پیمانکاری طرف قرارداد با کارخانه بسیاری از کارگران را اخراج کردند. همچنین تعداد زیادی از کارگران قراردادی هم در طول این مدت اخراج شده اند. اخراج ها به حدی زیاد بود که فقط در طول یک سال گذشته حدود ۲۵۰ نفر از کارگران را اخراج کرده اند. در مقابل این سیل اخراج ها، یکی از خواست های کارگران در این اعتصاب هم جلوگیری و متوقف شدن این اخراج ها و همچنین مشخص شدن تعداد کارگران مورد نیاز کارخانه بود. چرا که هنوز هم این اخراج ها ادامه دارد و هر یکی دو ماه یکبار، ۳۰-۴۰ نفر از کارگران را از کارخانه اخراج می کنند.

کارگر : آقای شریعتی! این چندمین

اعتصاب کارگران آزمایش بود؟

شریعتی : علاوه بر این اعتصاب، ۳ ماه پیش هم کارگران کارخانه ی آزمایش دست به اعتصاب زدند که طی آن اعتصاب مسئولین کارخانه به کارگران وعده دادند که روند اخراج ها را متوقف می کنند. در ادامه ولی فقط به صورت موقت یک قرارداد ۴ ماهه با کارگران اخراجی بستند که حالا هنوز موعدش

به سر نیامده، ما را اخراج کردند.

کارگر : مرسی آقای شریعتی. در پایان اگر صحبت خاصی دارید بفرمایید.

شریعتی : نه، ممنون. من هم از نشریه ی کارگر که صدای ما را منعکس می کند، متشکرم.

کارگر : ما هم برای شما و تمامی کارگران، آرزوی موفقیت و پیروزی در دستیابی به حقوق بدیهی خودشان را

حکم حبس برای معلمان معترض

۹ تن از معلمان همدانی که در اعتراضات صنفی شرکت کرده بودند، در دادگاه جزایی همدان، در شعبه ۱۰۶ دادرسی انقلاب توسط قاضی نادری به اتهام تجمعات غیر قانونی و تشویش اذهان عمومی از طریق صدور اطلاعیه و... به تحمل ۹۱ روز حبس محکوم شدند. این در حالیست که این معلمان هنگام دستگیری به مدت نه روز در سلول های انفرادی بودند.

این معلمان شریف عبارتند از آقایان: علی نجفی، جلال نادری، محمود جلیلیان، علی صادقی، نادر قدیمی، یوسف زارعی، هادی غلامی، یوسف رفاهیت، مجید فروزانفر.

بدنبال ابلاغ حکم، هر ۹ معلم همدانی اعلام کرده اند که به اصل قضیه اعتراض دارند و اعتراض آنها به اتهامات وارده و رفتارهای غیرقانونی و خلاف عرف دستگاه های امنیتی و انتظامی با اعضای یک تشکل صنفی قانونی است.

معلمان همدانی گفته اند که چون اساساً اتهامات وارده و احکام صادره از سوی شعبه ۱۰۶ دادگاه عمومی را قبول ندارند، به آن اعتراض نمی کنند.



موفقیت کارگران کارخانه ی شاهو

روز ششم مهرماه بود که مدیر کارخانه ی شاهو طی بخشنامه ای به بهانه ی افزایش ساعت استراحت کارگران در موقع ناهار، به کارگران این کارخانه اعلام کرد که به این منظور از این پس باید بمدت ۹ ساعت در روز کار کنند، اما کارگران در مقابل این بخشنامه دست به مقاومت زده و ضمن اعتصاب و تجمع در مقابل اداره ی کار در مورخه ی ۱۹/۷/۸۶، بطور یکپارچه ای از اجرای بخشنامه ی افزایش ساعت کار خودداری کردند. به دنبال این وضعیت، کارفرمای کارخانه از کارگران به اداره ی کار سندج شکایت نمود که در نهایت هیأت تشخیص اداره ی کار سندج، رأی خود را به نفع کارگران صادر کرد.

با مقاومت کارگران شاهو در مقابل افزایش ساعت کار، اداره ی کار سندج به نفع آنان رأی صادر کرد.

روز پنجشنبه، ۲۶ آبان ماه، در جلسه ی هیأت تشخیص اداره ی کار سندج که در پی مقاومت کارگران شاهو نسبت به افزایش ساعت کار "از هشت ساعت به نه ساعت" و بدنبال شکایت کارفرما از آنان تشکیل شده بود، این هیأت به نفع کارگران شاهو رأی داد و کارفرما را ملزم نمود تا یک روز از حقوق آنان که در ماه قبل به دلیل اعتصاب این کارگران پرداخت نشده بود، به آنان پرداخت نماید.

همچنین به دنبال اتهامات کارفرمای کارخانه ی شاهو به نمایندگان کارگران، مبنی بر تحریک آنان از سوی این نمایندگان، کارگران شاهو روز جمعه مورخه ۲۰/۸/۸۶، علی رقم تعطیلی کارخانه، در محل کارخانه اقدام به تشکیل مجمع عمومی خود نموده و یکصدا اعلام کردند که نماینده هایشان چیزی جز خواست های بر حق آنان را نمایندگی نکرده اند و بار دیگر به اتفاق آرا آقایان خالد سواری، هادی احمدی، فریدون پالیزی و رمضان حبیبی را بعنوان نماینده های خود انتخاب نمودند.

نشریه ی کارگر به تمامی کارگران کارخانه ی شاهو، این پیروزی و موفقیت را در دستیابی به حقوق خود و وادار کردن کارفرما به عقب نشینی، تبریک می گوید. با نیروی همبستگی طبقاتی و مبارزه ی متشکل و متحدانه ی خود، کارگران خواهند توانست به تمامی خواست های خود برسند.



اخراج ۱۹۰۰ کارگر در یک کارخانه در سمنان طی ۳ سال

عواملی مانند پرداخت نشدن حقوق کارگران و یا ندادن بن سالهای ۸۴ و ۸۵ به آنها موجب شده طی سه سال اخیر ۱۹۰۰ کارگر یک شرکت تولیدی در سمنان اخراج شوند و اکنون بنیاد مستضعفان به عنوان حامی این واحد حتی وثیقه‌ای تهیه نمی کند تا وام ۵۰۰ میلیون تومانی مصوب شده بانک صنعت و معدن را برای پرداخت حقوق معوق کارگران این کارخانه دریافت کند.

در این واحد ۴۰۰ کارگر فعالیت می‌کنند و محصول اصلی این کارخانه نخ است.

این ۴۰۰ کارگر چهارماه است که حقوق نگرفته‌اند و علاوه بر حقوق، این کارگران از مزایای دیگری مثل عیدی و پاداش سال گذشته و بن سالهای ۸۴ و ۸۵ نیز هنوز بهره‌مند نشده‌اند.

لازم به ذکر است که این واحد ظرفیت ادامه کار دارد و کارخانه برای ادامه ی فعالیت خود از نظر ریالی نیاز به حمایت بنیاد مستضعفان دارد که اگر مبلغ سه میلیارد تومان را بنیاد برای واحد در نظر بگیرد کارخانه می‌تواند کار خود را ادامه دهد.

بنیاد مستضعفین می‌تواند برای اخراج کارگر پول بدهد ولی چرا برای ادامه ی کار واحد هزینه نمی‌کند؟

در سال ۸۳ این واحد دارای دو هزار و سیصد کارگر بود و بخش های رنگرزی، بافندگی و بخشی از ریسندگی این واحد نیز فعال بودند، ولی طی سه سال اخیر تاکنون هزار و نهصد کارگر این واحد از کار بیکار شدند که در ازای اخراج هر کدام از آنها، سه ماه حقوق به اضافه مبالغ دیگر، به آنها پرداخت شده است.

در حال حاضر نیز ۵۰۰ میلیون تومان مصوب شده که توسط بانک صنعت و معدن به این واحد وام داده شود تا کارگرانش حقوق معوقه ی خود را دریافت کنند ولی برای دریافت این وام به وثیقه نیاز است که بنیاد مستضعفان بعد از گذشت یک ماه هنوز وثیقه‌ای برای دریافت این وام تهیه نکرده است.

اما همچنان نیز این اخراج ها ادامه داشته و در چند روز اخیر ۲۷ نفر از کارگران این واحد اخراج شده اند.

لازم به ذکر است که علاوه بر این شرکت، واحدهای بحران زای دیگری نیز در سمنان وجود دارند که به تدریج با نزدیک شدن به پایان سال مشکلات خود را بروز می دهند.

(ادامه از صفحه ی ۳)

بخشی از کارگران، رای های بیشتری را به نفع اصلاح طلبان به سمت صندوق های رای جاری کند. اما دیگر حنای هیچ یک از فرصت طلبان برای طبقه ی کارگر رنگی ندارد. کارگران ایران به نیروی همبستگی طبقاتی خود ایمان آورده اند و در راستای از قوه به فعل رساندن نیروی طبقاتی خود حرکت می کنند. بی شک تصویب پیش نویس قانون کار گامی دیگر در راستای سرکوب هرچه بیشتر طبقه ی کارگر ایران و قانون مند کردن روندی خواهد بود که مدت ها است آغاز شده است. اجرایی کردن اصل ۴۴ قانون اساسی به عنوان یکی از ارکان سیاست های آتی نظام حاکم نیاز به ابزاری خواهد داشت که ضد کارگری تر کردن قانون کار فعلی یکی از آن ها است. در شرایطی که سرمایه داری به منظور ناتوان کردن طبقه ی کارگر کوچکترین اعتراضی را سرکوب می کند، فعالین کارگری را به جرم تلاش برای تشکل یابی طبقه ی کارگر زندانی می کند، جواب اعتصاب را با باتوم و گاز اشک آور می دهد و حتی دست به حذف فیزیکی فعالین کارگری می زند، تصویب پیش نویس قانون کار به هیچ وجه درو از ذهن نیست. اما سرمایه داری حاکم متوجه نیست (و شاید هم متوجه است ولی راهی جز این که در پیش گرفته است ندارد) که جنبش کارگری ایران با وجود تمام این سرکوب ها به مبارزات خود ادامه می دهد و در راستای تشکل یابی گام بر می دارد. اگر کارگران شرکت واحد سرکوب شوند کارگران نیشکر هفت تپه سر بر می آورند و اگر در برابر سندیکای کارگران شرکت واحد ایستادگی شود، کارگران نقاش به سمت تشکل یابی حرکت خواهند کرد.



کارگران نیرو رخش پس از شش روز با

موفقیت به اعتصاب خود پایان دادند.

در مقابل خواسته های کارگران کارخانه نیرو رخش که از روز یکشنبه مورخه ۴/۹/۸۶ در اعتراض به عدم پرداخت سه ماه از دستمزدهایشان، عدم وجود وسایل گرمایشی و نبود بهداشت در کارخانه دست به اعتصاب زده بودند، کارفرما حکم اخراج شش نفر از کارگران رسمی را صادر کرده و اعلام نموده بود که وضعیت همین است، هر کس می خواهد کار کند و هر کس نمی خواهد برود.

در اعتراض به این اقدام، کارگران ۴ دی ماه دست به اعتصاب زدند. در تداوم اعتصاب و پافشاری کارگران نیرورخش، در پنجمین روز اعتصاب، کارفرما از روز پنج شنبه اقدام به نصب وسایل گرمایشی و رفع مشکلات بهداشت محیط کار کرد، ولی به خواست پرداخت دستمزدهای عقب افتاده کارگران تمکین نکرده و حکم اخراج ۶ نفر از کارگران را نیز صادر کرده بود. اما کارگران حاضر به پایان دادن به اعتصاب خود نشدند.

پس از مذاکراتی که بین نماینده ی کارفرما با کارگران و نماینده های آنان انجام شد مقرر گردید تا دستمزدهای کارگران در دو نوبت طی روزهای یکشنبه و سه شنبه هفته ی آینده پرداخت شود، اما کارفرما از قبول بازگشت به کار کارگران اخراجی خودداری کرد. با پیش آمدن این وضعیت، کارگران اعلام کردند تا بازگشت به کار همکاران خود، به اعتصابشان پایان نخواهند داد. بدنبال این تصمیم کارگران، در نهایت کارفرما از موضع خود عقب نشینی کرده و متعهد گردید تا ۶ نفر از کارگران اخراج شده را بر سر کارشان بازگرداند و ۳ ماه دستمزد معوقه کارگران را نیز بصورت یکجا در روز یکشنبه پرداخت نماید. در پایان، کارگران به کارفرما اعلام کردند چنانچه حتی یک نفر از کارگران اخراجی و یا بقیه ی کارگران، پس از پایان اعتصاب به هر بهانه ای اخراج شوند یا دستمزد در موعد توافق شده پرداخت نشود دوباره اعتصاب خواهند کرد.

کشته و زخمی شدن ۶ کارگر بر اثر

ریزش ساختمان در رباط کریم

بر اثر ریزش یک ساختمان در دست احداث در شهرستان "رباط کریم" در استان تهران، یک کارگر جانانش را از دست داده و ۵ کارگر دیگر نیز زخمی شدند. حادثه روز دوشنبه ۵ آذر ماه روی داده و وضعیت جسمی یکی از زخمی شدگان نیز وخیم است. تحقیقات اولیه کارشناسان نشان داده است که استفاده از تیرچه بلوکهای غیر استاندارد توسط پیمانکار، عامل ریزش ساختمان بوده است.

مرگ نوجوان ۱۷ ساله در کارگاه نجاری

نوجوان ۱۷ ساله ای بر اثر سوختگی و گازگرفتگی در یک کارگاه نجاری در مشهد جان خود را از دست داد.

ساعت ۱۴:۳۰ روز شنبه ۱۲ آبان ماه، با اعلام مرگ نوجوانی در کارگاه نجاری واقع در خیابان مهرمادر خواجه ربیع، بلافاصله بازپرس شعبه ۲۶ ویژه قتل و مأموران انتظامی در محل حاضر شدند و تحقیقات درباره این حادثه آغاز شد.

در بررسیهای بازپرس پرسا، مشخص شد متوفی از ناحیه سر و گردن دچار سوختگی شده و برای گرم کردن محل از اجاق پلوپز گازی استفاده کرده است.

تحقیق مقام قضایی، پلیس و پزشکی قانونی درباره چگونگی مرگ متوفی ادامه دارد.

کشته و زخمی شدن ۷ کارگر بر اثر

ریزش کوره آجرپزی در استان خراسان

بر اثر ریزش یک کوره آجرپزی در روستای **فاینر** در نزدیکی شهرستان خواف، ۱ کارگر جان باخته و ۶ کارگر دیگر زخمی شدند.

در جریان این حادثه که عصر روز دوشنبه ۳۰ مهر ماه روی داد یک کارگر با نام "عبدالحمید تیموری" جانش را از دست داده و ۶ کارگر دیگر نیز به شدت زخمی شدند.



به همه دلسوزانی که جویای حال محمود، من و فرزندانم هستند. به همه مبارزانی که امنیت خود را به خطر انداخته و به طرزی خستگی ناپذیر در جهت آگاه گری پیرامون وضعیت محمود و برای مداوا و آزادی او تلاش میکنند. من و فرزندانم در یکی از سخت ترین لحظات زندگیمان قرار داریم. من مثل یک مادر، یک همسر و یک همسفر از درون می سوزم. شمع وجود محمود صالحی، این عزیزترینم در برابر چشمانم آب می شود. محمود فقط یک شوهر عزیز و پدر دلسوز نبود. او الهام بخش من در موضع گیری های درست، طبقاتی و سیاسی است. او پیشاهنگ من در زندگی اجتماعی است. او مظهر یک کارگر آگاه، سمبل نفرت از استثمار و تبعیض و نماد مبارزه با زورگوئی است. او پرتو افکن مسیر یک مبارزه ی طبقاتی-کارگری به شیوه ی انترناسیونالیستی است. همین او را به چراغ فروزانی در برگزاری مراسم های مستقل اول ماه مه و تلاش برای ایجاد تشکل مستقل کارگری تبدیل کرد. کوردلان بر آنند تا این چراغ را خاموش کنند، ولی غافلند که پرتو این چراغ بر میلیون ها قلب تابیده و خاموش شدنی نیست.

این خصوصیات، دلسوزی های همه جانبه و گسترده ای که نسبت به محمود و امر مبارزاتیش نشان داده می شود و تلاش وسیعی که برای آزادی و مداوای او در جریان است، همه قوت قلب من هستند. محمود تحت عنوان تلاش برای برگزاری اول ماه مه، روز جهانی طبقه کارگر، زندانی شده است، که بخشی از مبارزات طبقاتی و مؤثرش در مورد شرایط کار و زندگی کارگران ایران و انعکاس حق طلبی و مبارزه جوئی آنان در زندان است. به سبب رویارویی های جسورانه اش با عوامل سرمایه در بند است، به علت تلاش برای ایجاد تشکل مستقل کارگری در حبس است. او الهام بخش مبارزه به شیوه متشکل است.

محمود زجر میکشد. درست تر بگویم دارند او

۴ سال از کشتار کارگران ذوب مس خاتون آباد گذشت.

۴ سال پیش در چنین روزهایی، ۲۸ دی ماه ۱۳۸۲ بود که تعداد زیادی از کارگران اخراجی مس خاتون آباد در اعتراض به اخراج خود، در مقابل فرمانداری شهر بابک دست به اعتصاب زدند. در این اعتصاب بسیاری از فرزندان و همسران کارگران نیز حضور داشتند.

در ادامه ی این اعتصاب، کارگران در روزهای بعد اقدام به تجمع و راهپیمایی در سطح شهر و بستن راه ها در اعتراض به عدم پاسخ گویی مسئولین مربوط زدند. در پی این اعتراضات پس از آنکه مذاکرات نمایندگان فرمانداری و تشکلات وابسته ی به اصطلاح کارگری چون خانه ی کارگر به نتیجه نرسید، کارگران اعلام کردند که تا رسیدن به خواست های به حق خود دست از اعتصاب نخواهند کشید.

بیش از یک هفته از این اعتراضات نگذشته بود که در اوایل بهمن ماه، کارگران اعتصاب کننده از سوی نیروهای امنیتی و نظامی به گلوله بسته شدند. طی این برخورد با کارگران معترض، چند تن از کارگران اعتصاب کننده و همچنین یک دانش آموز کشته شدند و بسیاری نیز زخمی و مجروح گشتند.

آری! بار دیگر حکومت سرمایه داری ایران در مقابل خواست های مسالمت آمیز و به حق کارگران که چیزی جز امنیت شغلی نمی خواستند، پاسخی جز گلوله نداشت.

ما با گرامیداشت یاد و خاطره ی کارگرانی که فقط به خاطر مطالبه ی حقوق اولیه ی خود اینگونه جان باختند، تمامی این برخوردها را از سوی حکومت سرمایه داری ایران محکوم نموده و اعلام می داریم که طبقه ی کارگر ایران خواستار شناسایی و محاکمه ی عاملین و عامرین این جنایات در دادگاهی حقیقی است.

را زجر کش می کنند. قرار بود او یک سال زندانی شود و صرفاً از حقوق اجتماعی محروم باشد، اما او را از مداوی بیماری حاد کلیه محروم کرده اند! اظهار نظرهای دکتر متخصص کلیه را نادیده گرفتند و عملاً او را از هرگونه مراقبت تخصصی محروم نمودند. در نتیجه این اقدامات که آگاهانه انجام گرفته، اکنون محمود در موقعیت بسیار بدی قرار دارد. شش روز است که آب بدنش دفع نشده و خطر سرایت سم به خونسر وجود دارد. پاهایش زخم درآورده است. فشار خونسر در نوسان است و چند بار بیهوش شده است. در یکی از این موارد سرش به شدت به زمین خورده و امکان صدمه مغزی وجود دارد. تاکنون هیچ دکتر متخصص بیماری های کلیوی به بالین او نیاورده اند. حتی اگر دکتر کلیه هم بیاورند بیمارستان توحید سندج دارای امکان پیشرفته و مورد نیاز محمود نیست. مقامات قضائی با این شیوه برخورد چه چیز را می خواهند به اثبات برسانند.

آیا عدم مداوای محمود با توجه به وخامت جسمی وی و نگاه داشتن او در زندان چه چیزی را در اذهان عموم منعکس می کند، جز اینکه محمود باید عمداً به این وسیله تا ورطه ی نابودی کشیده شود!! آیا این فسمتی از مجازاتی است که قبلاً برای محمود تنظیم کرده اند؟! آن ها دارند پیام می دهند که هر کس علیه سرمایه و دستگاه های حامی آن بپا خیزد، حتی اگر شهرت جهانی هم داشته باشد در معرض نابودی قرار خواهد گرفت. آن ها در این راه چنان پیش می روند که حتی آبرو ریزی بیشتر دستگاه قضائیشان را به جان می خرند. اما ما به اتکای به تشکل ها و اعتراضات کارگری و فعالین کارگری، پزشکان انسان دوست و همه ی انسان های آزادی خواه باید در مورد این بی حقوقی ایستادگی کرد. این چراغ باید همین امروز و در میان ما فروزان بماند.

نجیبه صالحزاده جمعه ۲۳ آذر ماه ۱۳۸۶